

عنوان درس

# تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم»

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده  
مریان، ائمه جماعت و والدین محترم  
[www.SalehinZn.ir](http://www.SalehinZn.ir)





## فهرست

- تفسیر ..... ۳
- آیا «بسم الله» جزء سوره است؟ ..... ۵
- «الله» جامعترین نام خداوند ..... ۸
- رحمت عام و خاص خدا ..... ۹
- چرا صفات دیگر خدا در «بسم الله» نیامده است؟ ..... ۱۱



## تفسیر: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میان همه مردم جهان رسم است که هر کار مهم و پر ارزشی را به نام بزرگی از بزرگان آغاز می کنند و نخستین کلنگ هر مؤسسه ارزنده ای را به نام کسی که مورد علاقه آنها است بر زمین می زنند یعنی آن کار را با آن شخصیت مورد نظر از آغاز ارتباط می دهند. ولی آیا بهتر نیست که برای پاینده بودن یک برنامه و جاوید ماندن یک تشکیلات آن را به موجود پایدار و جاویدانی ارتباط دهیم که فنا در ذات او راه ندارد، چرا که همه موجودات این جهان به سوی کهنگی و زوال می روند، تنها چیزی باقی می ماند که با آن ذات لایزال بستگی دارد.

اگر نامی از پیامبران و انبیاء باقی است به علت پیوندشان با خدا و عدالت و حقیقت است که کهنگی در آن راه ندارد و اگر فی المثل اسمی از «حاتم» بر سر زبانها است به خاطر همبستگی اش با سخاوت است که زوال ناپذیر است. از میان تمام موجودات آنکه ازلی و ابدی است تنها ذات پاک خدا است و به همین دلیل باید همه چیز و هر کار را با نام او آغاز کرد و در سایه او قرار داد و از او استمداد نمود لذا در نخستین آیه قرآن می گوئیم: «بنام خداوند بخشنده بخشایشگر» (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ).

این کار نباید تنها از نظر اسم و صورت باشد، بلکه باید از نظر واقعیت و معنی با او پیوند داشته باشد، چرا که این ارتباط آن را در مسیر صحیح قرار می دهد و از هر گونه انحراف باز می دارد و به همین دلیل چنین کاری حتما به پایان می رسد و پر برکت است، به همین دلیل در حدیث معروفی از پیامبر (ص) می خوانیم: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدَكَّرْ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ فَهُوَ أُبْتَرَّ» (هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود بی فرجام است)

امیر مؤمنان علی (ع) پس از نقل این حدیث اضافه می کند «انسان هر کاری را می خواهد انجام دهد باید بسم الله بگوید یعنی با نام خدا این عمل را شروع می کنم و هر عملی که با نام خدا شروع شود خجسته و مبارک است» و نیز می بینیم امام باقر (ع) می فرماید: «سزاوار است هنگامی که کاری را شروع می کنیم، چه بزرگ باشد چه کوچک، بسم الله بگوئیم تا پر برکت و میمون باشد. کوتاه سخن اینکه پایداری و بقاء عمل بسته به ارتباطی است که با خدا دارد.

به همین مناسبت خداوند بزرگ در نخستین آیات که به پیامبر وحی شد دستور می‌دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع کند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» و می‌بینیم حضرت نوح (علیه السلام) در آن طوفان سخت و عجیب هنگام سوار شدن بر کشتی و حرکت روی امواج کوه پیکر آب که هر لحظه با خطرات فراوانی روبرو بود برای رسیدن به سر منزل مقصود و پیروزی بر مشکلات به یاران خود دستور می‌دهد که در هنگام حرکت و در موقع توقف کشتی «بِسْمِ اللَّهِ» بگویند (وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا) (سوره هود آیه ۴۱).

و آنها این سفر پر مخاطره را سرانجام با موفقیت و پیروزی پشت سر گذاشتند و با سلامت و برکت از کشتی پیاده شدند چنان که قرآن می‌گوید: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ» (سوره هود آیه ۴۸). و نیز سلیمان در نامه‌ای که به ملکه سبا می‌نویسد سر آغاز آن را «بِسْمِ اللَّهِ» قرار می‌دهد (إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ...) (سوره نحل آیه ۳۰).

و باز روی همین اصل، تمام سوره‌های قرآن با «بِسْمِ اللَّهِ» آغاز می‌شود تا هدف اصلی که همان هدایت و سوق بشر به سعادت است از آغاز تا انجام با موفقیت و پیروزی و بدون شکست انجام شود، تنها سوره توبه است که بسم الله در آغاز آن نمی‌بینیم چرا که سوره توبه با اعلان جنگ به جنایتکاران مکه و پیمان‌شکنان آغاز شده، و اعلام جنگ با توصیف خداوند به «رحمان و رحیم» سازگار نیست. در اینجا توجه به یک نکته لازم است و آن اینکه ما در همه جا بسم الله می‌گوئیم چرا نمی‌گوئیم بسم الخالق یا بسم الرازق و مانند آن؟! نکته این است که «الله» چنان که به زودی خواهیم گفت، جامع‌ترین نامهای خدا است و همه صفات او را یک جا بازگو می‌کند، اما نامهای دیگر اشاره به بخشی از کمالات او است، مانند خالقیت و رحمت او و مانند آن.

از آنچه گفتیم این حقیقت نیز روشن شد که گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز هر کار هم به معنی «استعانت جستن» به نام خدا است، و هم «شروع کردن به نام او» و این دو یعنی «استعانت» و «شروع» که مفسران بزرگ ما گاهی آن را از هم تفکیک کرده‌اند و هر کدام یکی از آن دو را در تقدیر گرفته‌اند به یک ریشه باز می‌گردد، خلاصه این دو لازم و ملزوم یکدیگرند یعنی هم با نام او شروع می‌کنم و هم از ذات پاکش استمداد می‌طلبم.



به هر حال هنگامی که کارها را با تکیه بر قدرت خداوند آغاز می‌کنیم خداوندی که قدرتش ما فوق همه قدرتهاست، سبب می‌شود که از نظر روانی نیرو و توان بیشتری در خود احساس کنیم، مطمئن تر باشیم، بیشتر کوشش کنیم، از عظمت مشکلات نهراسیم و مأیوس نشویم، و ضمناً تبت و عملمان را پاکتر و خالصتر کنیم. و این است رمز دیگر پیروزی به هنگام شروع کارها به نام خدا. گرچه هر قدر در تفسیر این آیه سخن بگوئیم کم گفته‌ایم چرا که معروف است، علی (علیه السلام) از سر شب تا به صبح برای ابن عباس از تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ» سخن می‌گفت، صبح شد در حالی که از تفسیر «با» بِسْمِ اللَّهِ فراتر نرفته بود. ولی با حدیثی از همان حضرت این بحث را همین جا پایان می‌دهیم، و در بحثهای آینده مسائل دیگری در این رابطه خواهیم داشت.

عبد الله بن یحیی که از دوستان امیر مؤمنان علی (ع) بود به خدمتش آمد و بدون گفتن بسم الله بر تختی که در آنجا بود نشست، ناگهان بدنش منحرف شد و بر زمین افتاد و سرش شکست، علی علیه السلام دست بر سر او کشید و زخم او التیام یافت بعد فرمود: آیا نمی‌دانی که پیامبر از سوی خدا برای من حدیث کرد که هر کار بدون نام خدا شروع شود بی سرانجام خواهد بود، گفتم پدر و مادرم به فدایت باد می‌دانم و بعد از این ترک نمی‌گویم، فرمود: در این حال بهره‌مند و سعادتمند خواهی شد. امام صادق (ع) هنگام نقل این حدیث فرمود: «بسیار می‌شود که بعضی از شیعیان ما بسم الله را در آغاز کارشان ترک می‌گویند و خداوند آنها را با ناراحتی مواجه می‌سازد تا بیدار شوند و ضمناً این خطا از نامه اعمالشان شسته شود».

### آیا بسم الله جزء سوره است؟!

در میان دانشمندان و علماء شیعه اختلافی در این مساله نیست، که «بِسْمِ اللَّهِ» جزء سوره حمد و همه سوره‌های قرآن است، اصولاً ثبت «بِسْمِ اللَّهِ» در متن قرآن مجید در آغاز همه سوره‌ها، خود گواه زنده این امر است، زیرا می‌دانیم در متن قرآن چیزی اضافه نوشته نشده است، و ذکر «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز سوره‌ها از زمان پیامبر (ص) تا کنون معمول بوده است و اما از نظر دانشمندان اهل تسنن، نویسنده تفسیر المنار جمع‌آوری جامعی از اقوال آنها به شرح زیر کرده است:



در میان علما گفتگو است که آیا «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز هر سوره‌ای جزء سوره است یا نه؟ دانشمندان پیشین از اهل مکه اعم از فقهاء و قاریان قرآن از جمله ابن کثیر و اهل کوفه از جمله عاصم و کسانی از قراء و بعضی از صحابه و تابعین از اهل مدینه، و همچنین شافعی در کتاب جدید، و پیروان او و ثوری و احمد در یکی از دو قولش معتقدند که جزء سوره است، همچنین علمای امامیه و از صحابه طبق گفته آنان علی<sup>(ع)</sup> و ابن عباس و عبد الله بن عمر و ابو هریره، و از علمای تابعین سعید بن جبیر و عطا و زهری و ابن المبارک این عقیده را برگزیده‌اند. سپس اضافه می‌کند مهمترین دلیل آنها اتفاق همه صحابه و کسانی که بعد از آنها روی کار آمدند بر ذکر «بِسْمِ اللَّهِ» در قرآن در آغاز هر سوره‌ای - جز سوره براءت - است، در حالی که آنها متفقاً توصیه می‌کردند که قرآن را از آنچه جزء قرآن نیست پیراسته دارند، و به همین دلیل «آمین» را در آخر سوره فاتحه ذکر نکرده‌اند ...

سپس از مالک و پیروان ابو حنیفه و بعضی دیگر نقل می‌کند که آنها «بِسْمِ اللَّهِ» را یک آیه مستقل می‌دانستند که برای بیان آغاز سوره‌ها و فاصله میان آنها نازل شده است و از احمد (فقیه معروف اهل تسنن) و بعضی از قاریان کوفه نقل می‌کند که آنها «بِسْمِ اللَّهِ» را جزء سوره حمد می‌دانستند نه جزء سایر سوره‌ها، از مجموع آنچه گفته شده چنین استفاده می‌شود که حتی اکثریت قاطع اهل تسنن نیز «بِسْمِ اللَّهِ» را جزء سوره می‌دانند. در اینجا بعضی از روایاتی را که از طرق شیعه و اهل تسنن در این زمینه نقل شده یادآور می‌شویم: (و اعتراف می‌کنیم که ذکر همه آنها از حوصله این بحث خارج، و متناسب با یک بحث فقهی تمام عیار است).

معاویه بن عمار از دوستان امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌گوید از امام پرسیدم هنگامی که به نماز بر می‌خیزم «بِسْمِ اللَّهِ» را در آغاز حمد بخوانم؟ فرمود: بلی. مجدداً سؤال کردم هنگامی که حمد تمام شد و سوره‌ای بعد از آن می‌خوانم «بِسْمِ اللَّهِ» را با آن بخوانم؟ باز فرمود آری.

دارقطنی از علمای سنت به سند صحیح از علی<sup>(علیه السلام)</sup> نقل می‌کند که مردی از آن حضرت پرسید «السبع المثانی» چیست؟ فرمود: سوره حمد است، عرض کرد: سوره حمد شش آیه است فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نیز آیه‌ای از آن است.

بیهقی محدث مشهور اهل سنت با سند صحیح از طریق ابن جبیر از ابن عباس چنین نقل می کند: *إِسْتَرْقَ الشَّيْطَانُ مِنَ النَّاسِ، اعْظَمَ آيَةُ مِنَ الْقُرْآنِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*. (مردم شیطان صفت، بزرگترین آیه قرآن *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* را سرقت کردند) اشاره به اینکه در آغاز سوره ها آن را نمی خوانند. گذشته از همه اینها سیره مسلمین همواره بر این بوده که هنگام تلاوت قرآن *بِسْمِ اللَّهِ* را در آغاز هر سوره ای می خواندند، و متواتراً نیز ثابت شده که پیامبر (ص) آن را نیز تلاوت می فرمود، چگونه ممکن است چیزی جزء قرآن نباشد و پیامبر و مسلمانان همواره آن را ضمن قرآن بخوانند و بر آن مداومت کنند.

و اما اینکه بعضی احتمال داده اند که «*بِسْمِ اللَّهِ*» آیه مستقلی باشد که جزء قرآن است اما جزء سوره ها نیست، احتمال بسیار سست و ضعیفی به نظر می رسد، زیرا مفهوم و محتوای «*بِسْمِ اللَّهِ*» نشان می دهد که برای ابتدا و آغاز کاری است، نه اینکه خود یک مفهوم و معنی جدا و مستقل داشته باشد، در حقیقت این جمود و تعصب شدید است که ما بخواهیم برای ایستادن روی حرف خود هر احتمالی را مطرح کنیم و آیه ای همچون «*بِسْمِ اللَّهِ*» را که مضمونش فریاد می زند سر آغازی است برای بحثهای بعد از آن، آیه مستقل و بریده از ما قبل و ما بعد بینداریم.

تنها ایراد قابل ملاحظه ای که مخالفان در این رابطه دارند این است که می گویند در شمارش آیات سوره های قرآن (بجز سوره حمد) معمولاً «*بِسْمِ اللَّهِ*» را یک آیه حساب نمی کنند، بلکه آیه نخست را بعد از آن قرار می دهند. پاسخ این سؤال را فخر رازی در تفسیر کبیر به روشنی داده است آنجا که می گوید: هیچ مانعی ندارد که «*بِسْمِ اللَّهِ*» در سوره حمد به تنهایی یک آیه باشد و در سوره های دیگر قرآن جزئی از آیه اول محسوب گردد. (بنا بر این مثلاً در سوره کوثر «*بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ*» همه یک آیه محسوب می شود).

به هر حال مسأله آن قدر روشن است که می گویند: یک روز معاویه در دوران حکومتش در نماز جماعت «*بِسْمِ اللَّهِ*» را نگفت، بعد از نماز جمعی از مهاجران و انصار فریاد زدند *أَسْرَقْتَ أَمْ نَسِيتَ؟* یعنی آیا *بِسْمِ اللَّهِ* را دزدیدی یا فراموش کردی؟



## الله جامع ترین نام خداوند.

در جمله «بِسْمِ اللَّهِ» نخست با کلمه «اسم» روبرو می شویم که به گفته علمای ادبیات عرب اصل آن از «سُمُو» (بر وزن غلو) گرفته شده که به معنی بلندی و ارتفاع است، و اینکه به هر نامی «اسم» گفته می شود به خاطر آنست که مفهوم آن بعد از نامگذاری از مرحله خفا و پنهانی به مرحله بروز و ظهور و ارتفاع می رسد، و یا به خاطر آن است که لفظ با نامگذاری، معنی پیدا می کند و از مُهْمَل و بی معنی بودن در می آید و علو و ارتفاع می یابد.

به هر حال بعد از کلمه «اسم»، به کلمه «الله» برخورد می کنیم که جامعترین نامهای خدا است، زیرا بررسی نامهای خدا که در قرآن مجید و یا سایر منابع اسلامی آمده نشان می دهد که هر کدام از آن یک بخش خاص از صفات خدا را منعکس می سازد، تنها نامی که اشاره به تمام صفات و کمالات الهی، یا به تعبیر دیگر جامع صفات جلال و جمال است همان «الله» می باشد.

به همین دلیل اسماء دیگر خداوند غالباً به عنوان صفت برای کلمه «الله» گفته می شود به عنوان نمونه:

«غفور» و «رحیم» که به جنبه آمرزش خداوند اشاره می کند (فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ - بقره - ۲۲۶).

«سمیع» اشاره به آگاهی او از مسموعات، و «علیم» اشاره به آگاهی او از همه چیز است (فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - بقره - ۲۲۷).

«بصیر»، علم او را به همه دیدنیها بازگو می کند (وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ حجرات - ۱۸).

«رزاق»، به جنبه روزی دادن او به همه موجودات اشاره می کند و «ذو القوه» به قدرت او، و «مبین» به استواری افعال و برنامه های او (إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ - زاریات - ۵۸).

و بالاخره «خالق» و «بارء» اشاره به آفرینش او و «مصور» حاکی از صورتگری اش می باشد (هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى حشر - ۲۴).

آری تنها «الله» است که جامعترین نام خدا می باشد، لذا ملاحظه می کنیم در یک آیه بسیاری از این اسماء، وصف «الله» قرار می گیرند هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ. (او است الله که معبودی جز وی نیست، او است حاکم مطلق، منزّه از ناپاکیها، از

هر گونه ظلم و بیدادگری، ایمنی بخش، نگاهبان همه چیز، توانا و شکست ناپذیر، قاهر بر همه موجودات و با عظمت).

یکی از شواهد روش جامعیت این نام آن است که ابراز ایمان و توحید تنها با جمله لا اله الا الله می توان کرد، و جمله «لا اله الا العليم، الا الخالق، الا الرازق» و مانند آن به تنهایی دلیل بر توحید و اسلام نیست، و نیز به همین جهت است که در مذاهب دیگر هنگامی که می خواهند به معبود مسلمین اشاره کنند «الله» را ذکر می کنند، زیرا توصیف خداوند به الله مخصوص مسلمانان است.

### رحمت عام و خاص خدا

مشهور در میان گروهی از مفسران این است که صفت «رحمان»، اشاره به رحمت عام خدا است که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار می باشد، زیرا می دانیم «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» همه بندگان از مواهب گوناگون حیات بهره مندند، و روزی خویش را از سفره گسترده نعمتهای بی پایانش بر می گیرند، این همان رحمت عام او است که پهنه هستی را در بر گرفته و همگان در دریای آن غوطه ورنند.

ولی «رحیم» اشاره به رحمت خاص پروردگار است که ویژه بندگان مطیع و صالح و فرمانبردار است، زیرا آنها به حکم ایمان و عمل صالح، شایستگی این را یافته اند که از رحمت و بخشش و احسان خاصی که آلودگان و تبهکاران از آن سهمی ندارند، بهره مند گردند.

تنها چیزی که ممکن است اشاره به این مطلب باشد آنست که «رحمان» در همه جا در قرآن به صورت مطلق آمده است که نشانه عمومیت آنست، در حالی که «رحیم» گاهی به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است مانند وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا: خداوند نسبت به مؤمنان رحیم است (احزاب- ۴۳) و گاه به صورت مطلق مانند سوره حمد.

در روایتی نیز از امام صادق (ع) می خوانیم که فرمود: «وَاللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ، الرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً: (خداوند معبود همه چیز است، نسبت به تمام مخلوقاتش رحمان، و نسبت به خصوص

مؤمنان رحیم است). از سویی دیگر «رحمان» را صیغه مبالغه دانسته‌اند که خود دلیل دیگری بر عمومیت رحمت او است، و «رحیم» را صفت مشبیه که نشانه ثبات و دوام است و این ویژه مؤمنان می‌باشد.

شاهد دیگر اینکه رحمان از اسماء مختص خداوند است و در مورد غیر او به کار نمی‌رود، در حالی که رحیم صفتی است که هم در مورد خدا و هم در مورد بندگان استعمال می‌شود، چنان که درباره پیامبر ص در قرآن می‌خوانیم عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. (ناراحتیهای شما بر پیامبر گران است، و نسبت به هدایت شما سخت علاقمند است، و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم می‌باشد) (توبه- ۱۲۸)

لذا در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: الرحمن اسم خاص، بصفه عامه، و الرحیم اسم عام بصفه خاصه. «رحمان» اسم خاص است اما صفت عام دارد (نامی است مخصوص خدا ولی مفهوم رحمتش همگان را در بر می‌گیرد) ولی «رحیم» اسم عام است به صفت خاص (نامی است که بر خدا و خلق هر دو گفته می‌شود اما اشاره به رحمت ویژه مؤمنان دارد)

با این همه گاه می‌بینیم که رحیم نیز به صورت یک وصف عام استعمال می‌شود البته هیچ مانعی ندارد که تفاوتی که گفته شد در ریشه این دو لغت باشد، اما استثنایی نیز در آن راه یابد.

در دعای بسیار ارزنده و معروف امام حسین (ع) به نام دعای عرفه می‌خوانیم: یا رحمان الدنیا و الآخرة و رحیمهما: ای خدایی که رحمان دنیا و آخرت تویی و رحیم دنیا و آخرت نیز تویی!

سخن خود را در این بحث با حدیث پر معنی و گویایی از پیامبر اکرم (ص) پایان می‌دهیم آنجا که فرمود: خداوند بزرگ صد باب رحمت دارد که یکی از آن را به زمین نازل کرده است، و در میان مخلوقاتش تقسیم نموده و تمام عاطفه و محبتی که در میان مردم است از پرتو همان است، ولی نود و نه قسمت را برای خود نگاه داشته و در قیامت بندگان را مشمول آن می‌سازد.





## چرا صفات دیگر خدا در «بِسْمِ اللَّهِ» نیامده است؟!

این موضوع قابل توجه است که تمام سوره‌های قرآن با بسم الله شروع می‌شود (بجز سوره براءت آن هم به دلیلی که سابقاً گفتیم) و در بسم الله پس از نام ویژه «الله» تنها روی صفت «رحمانیت و رحیمیت» او تکیه می‌شود، و این سؤال انگیز است که چرا سخنی از بقیه صفات در این موضع حساس به میان نیامده؟

اما با توجه به یک نکته، پاسخ این سؤال روشن می‌شود و آن اینکه در آغاز هر کار لازم است از صفتی استمداد کنیم که آثارش بر سراسر جهان پرتوافکن است، همه موجودات را فرا گرفته و گرفتاران را در لحظات بحرانی نجات بخشیده است. بهتر است این حقیقت را از زبان قرآن بشنوید آنجا که می‌گوید: وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ: (رحمت من همه چیز را فرا گرفته است) (اعراف- ۱۵۶). و در جای دیگر از زبان حاملان عرش خدا می‌خوانیم رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً: (خدایا رحمت خود را بر همه چیز گسترده‌ای) (مؤمن- ۷). از سوی دیگر می‌بینیم پیامبران برای نجات خود از چنگال حوادث سخت و طاقت فرسا و دشمنان خطرناک، دست به دامن رحمت خدا می‌زدند: قوم «موسی» برای نجات از چنگال فرعونیان می‌گویند وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ: (خدایا ما را به رحمت خود رهایی بخش) (یونس- ۸۶). در مورد «هود» و پیروانش چنین می‌خوانم: فَأَنْجِنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا: (هود و پیروانش را به وسیله رحمت خویش از چنگال دشمنان) رهایی بخشیدیم) (اعراف- ۷۲).

اصولاً هنگامی که حاجتی از خدا می‌طلبیم مناسب است او را با صفاتی که پیوند با آن حاجت دارد توصیف کنیم، مثلاً عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> به هنگام درخواست مانده آسمانی (غذای مخصوص) چنین می‌گوید: اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ... وَ ارزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ: (بار الها مانده‌ای از آسمان بر ما نازل گردان ... و ما را روزی ده و تو بهترین روزی دهندگانی) (مائده- ۱۱۴).

نوح، پیامبر بزرگ خدا نیز این درس را به ما می‌آموزد، آنجا که برای پیاده شدن از کشتی در یک جایگاه مناسب، چنین دعا کند رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ: (پروردگارا! مرا به طرز مبارکی فرود آر که تو بهترین فرود آورندگان) (مؤمن- ۲۹).

و نیز زکریا به هنگام درخواست فرزندی از خدا که جانشین و وارث او باشد خدا را با صفت خیر الوارثین توصیف می‌کند و می‌گوید رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ: (خداوند! مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی) (انبیاء- ۸۹).

بنا بر این در مورد آغاز کارها به هنگامی که می‌خواهیم با نام خداوند شروع کنیم باید دست به دامن رحمت واسعه او بزنیم، هم رحمت عام و هم رحمت خاصش آیا برای پیشرفت در کارها و پیروزی بر مشکلات، صفتی مناسبتر از این صفات می‌باشد؟!

جالب اینکه نیرویی که همچون نیروی جاذبه، جنبه عمومی دارد و دلها را به هم پیوند می‌دهد همین صفت رحمت است، برای پیوند خلق با خالق نیز از این صفت رحمت باید استفاده کرد.

مؤمنان راستین با گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز کارها دل از همه جا بر می‌کنند و تنها به خدا دل می‌بندند، و از او استمداد و یاری می‌طلبند، خداوندی که رحمتش فراگیر است، و هیچ موجودی از آن، بی‌نصیب نیست.

این درس را نیز از «بسم الله» به خوبی می‌توان آموخت که اساس کار خداوند بر رحمت است و مجازات جنبه استثنایی دارد که تا عوامل قاطعی برای آن پیدا نشود تحقق نخواهد یافت، چنان که در دعا می‌خوانیم:

«يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (ای خدایی که رحمت بر غضبت پیشی گرفته است).

انسانها نیز باید در برنامه زندگی چنین باشند، اساس و پایه کار را بر رحمت و محبت قرار دهند و توسل به خشونت را برای مواقع ضرورت بگذارند، قرآن ۱۱۴ سوره دارد، ۱۱۳ سوره با «رحمت» آغاز می‌شود، تنها سوره توبه که با اعلان جنگ و خشونت آغاز می‌شود و بدون بسم الله است!

